يا حَكيم، إِنَّ هذا المَالَ خَضِرٌ حُلْوٌ

از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی خواستم، به من عطا کرد؛ بارِ دوم و سوم نیز درخواست کردم و هر بار عطا نمود؛ آنگاه فرمود: «يا حَكيم، إِنَّ هذا المَالَ خَضِرٌ حُلْوٌ، فَمن أَخَذَهُ بِسَخَاوَةِ نَفس بُورِكَ لَهُ فِيه، وَمَن أَخَذَهُ بِإِشرَافِ نَفْسٍ لَم يُبَارَكْ لَهُ فيه، وكَانَ كَالَّذِي يَأْكُلُ ولا يَشْبَع، واليدُ العُلَيا خَيرٌ مِنَ اليَدِ السُّفلَى»: «ای حکیم، این مالِ دنیا دلچسب و شیرین است. هرکس آن را سخاوتمندانه - و بدون طمع - دریافت کند، برایش با برکت خواهد بود؛ و هرکس با اصرار از روی حرص و طمع آن را به دست بیاورد، برایش برکتی نخواهد داشت. - چنین شخصی - مانندِ کسی خواهد بود که می خورد، اما سیر نمی شود. و دستِ بالا (بخشنده) از دستِ پایین (گیرنده) بهتر است». حکیم رضی الله عنه می گوید: گفتم: ای رسول الله، سوگند به ذاتی که تو را به حق مبعوث کرده است، پس از شما تا زنده باشم از هیچکس چیزی نخواهم خواست. بنابراین زمانی که ابو بکر رضی الله عنه در دوران خلافتش حکیم رضی الله عنه را فرامی خواند تا چیزی به او بدهد، حکیم قبول نمی کند؛ سپس عمر رضی الله عنه او را فرامی خواند تا چیزی به او بدهد، ولی حکیم نمی پذیرد. لذا عمر رضی الله عنه می گوید: ای مسلمانان، من شما را گواه می گیرم که سهم حکیم را از غنیمتی که الله به او داده است بر او عرضه کردم، ولی او از پذیرش آن خود داری می کند. به اینگونه حکیم رضی الله عنه پس از رسول الله صلی الله علیه وسلم، تا وقتی زنده بود، از هیچکس چیزی قبول نکرد.

[صحيح] [متفق عليه]

حکیم بن حزام رضی الله عنه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و از ایشان طلب مال نمود و رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی عطا نمود؛ بار دیگر طلب نمود و برایش عطا نمود، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی فرمود: ای حکیم، مال چیزی محبوب است که نفس انسان بدان تمایل دارد و طبیعتا مشتاق آن است؛ پس برای کسی که بدون خواستن (گدایی) بیاید و آن را بدون اصرار و طمع و چشم داشت و اشتیاق، بدان دست یابد، الله متعال در آن برکت قرار می دهد، اما کسی که با چشم داشت و اشتیاق و طمع در پی آن باشد و با اصرار آن را به دست آورد، الله متعال در مال وی برکت نمی نهد، مانند کسی که می خورد اما سیر نمی شود، و دستِ بالا (بخشنده) از دستِ پایین (گیرنده) بهتر است، حکیم گفت: گفتم: ای رسول الله، سوگند به کسی که تو را به حق مبعوث کرده است، بعد از تو، تا از دنیا بروم از کسی چیزی نخواهم خواست. خلیفۀ رسول الله صلی الله علیه وسلم ابو بکر رضی الله عنه چیزی به وی می بخشد اما آن را قبول نمی کند، سپس امیر المومنین عمر رضی الله عنه نیز او را فرامی خواند تا چیزی به او بدهد؛ اما حکیم رضی الله عنه از پذیرفتن آن خودداری می کند؛ از این رو عمر رضی الله عنه مردم را گواه می گیرد و می گوید: ای گروه از مسلمانان، گواه باشید که من از مال غنیمت که مسلمانان آن را بدون جنگ و جهاد با کفار بدست آوردند به حکیم رضی الله عنه دادم اما او نپذیرفت، به این ترتیب حکیم رضی الله عنه بعد از این که از رسول الله صلی الله علیه وسلم مال طلب نمود، اصرار می کند که تا زنده است چیزی از کسی دریافت نکند تا این که وفات نمود رضی الله عنه.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/3703